

هرمان ملویل

لئون هاوارد

ترجمه
خشایار دیهیمی

فرهنگ نشر نو
با همکاری نشر آسیم
تهران-۱۳۹۷

هرمان ملویل

ترجمه خشایار دیهیمی

Herman Melville از

Leon Howard

American Writers, vol. 3

Charles Scribner's Sons, New York, 1974

فرهنگ نشرنو تهران، خیابان میرعماد، خیابان سیزدهم، پلاک ۱۳
تلفن: ۸۸۷۴۰۹۹۱

نوبت چاپ
شمارگان
نقاشی روی جلد
طراحی یونیفورم جلد
لینوگرافی
چاپ و صحافی
ناظر چاپ
اول نشرنو، ۱۳۹۷ (چاپ اول، ۱۳۷۲)
۱۱۰۰
بهرام داوری
حکمت مرادی
باختر
سپیدار
بهمن سراج
همه حقوق محفوظ است.

فهرست کتابخانه ملی

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
فروست
شابک دوره
شابک ۱
فهرست‌نویسی
موضوع
شناسه افزوده
رده‌بندی کنگره
رده‌بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی
هاوارد، لئون
هرمان ملویل، ۱۸۱۹-۱۸۹۱ م. / لئون هاوارد؛
ترجمه خشایار دیهیمی.
تهران: فرهنگ نشرنو، ۱۳۹۶.
شش + ۷۳ ص.
نسل قلم- ۱
978-600-490-025-6
978-600-490-018-8
بر اساس اطلاعات فیبا
داستان‌نویسان آمریکایی- قرن ۱۹ م.
الف. دیهیمی، خشایار، ۱۳۳۴-، مترجم؛
ب. عنوان: هرمان ملویل
۱۳۹۶ ۱۳۹۷/ ۵۹ ۵۴ PS
۸۱۳/۴
۴۸۸۰۲۹۸

مرکز پخش
تلفن و دورنگار
فروشگاه اینترنتی
بها
آسیم
۸۸۷۴۰۹۹۲-۴
www.nashrenow.com
۱۰۰,۰۰۰ ریال

پیشگفتار

بیش از بیست و پنج سال از چاپ اول مجموعهٔ نسل قلم می‌گذرد. پیش از هر چیز لازم است بگوییم این مجموعه با همت و کمک سه تن از دوستانم، که سهمشان در انتشار این مجموعه به هیچ روی کمتر از من نبوده است، به ثمر رسید. دوستانم، آرمان امید، بهرام داوری و حسن ملکی. قصهٔ عجیب و غریب انتشار این مجموعه قصه‌ای بس دراز است که گهگاه در برخی مصاحبه‌ها من و دوستانم گوشه‌هایی از آن را بازگو کرده‌ایم. اما به عمد لفظ قصه را به کار گرفتم زیرا شاید اگر روزی من و این دوستان خاطرات مربوط به نشر این مجموعه را با جزئیاتش بازگو کنیم دست‌کمی از یک قصهٔ بلند شیرین و پرتب و تاب نخواهد داشت.

باری، نمی‌خواهم اکنون سر این قصهٔ بلند را باز کنم، باشد تا زمانی دیگر و فرصتی مناسب‌تر. اما به جز ما چهار نفر عدهٔ بسیار بیشتری در شکل‌گیری این مجموعه سهم داشته‌اند. مهم‌تر از همه نگاه محبت‌آمیز دوستان مترجم بود که هرگز دست یاری ما را که به‌سویشان دراز شده بود پس نزدند. امروز بعد از بیست و پنج سال عده‌ای از آنان روی در نقاب خاک کشیده‌اند که جا دارد یاد از ایشان بکنیم:

شش :: نسل قلم ::

کریم امامی، عبدالله توکل، ابراهیم یونسی، مهدی سحابی، صفیه روحی،
محمد مختاری، فرخ تمیمی.

در پایان، ذکر یک نکته ضروری است: این کتابها «زندگینامه»
نیستند، بلکه شرح و تفسیر و نقد آثار و اندیشه‌های نویسندگان هستند. پس
اگرچه حجمشان اندک است اما می‌توانند نقطه شروع خوبی برای
خواندگانی باشند که در پی راه یافتن به مضامین اندیشه‌های این نویسندگان
و متفکران هستند.

خشایار دیهیمی

تابستان ۱۳۹۷

هرمان ملویل در ۱۸۱۹ به دنیا آمد و در ۱۸۹۱ درگذشت. او در قرن بیستم به عنوان نویسنده‌ای با ویژگیهای منحصر به فرد شناخته شد. او که وارث سنت عظیم ادبیات رمانتیک بود، در نوشته‌هایش واقع‌گرایانه به زندگی در دریا پرداخت و داستان‌سرایی مشهور شد که به تضادهای فرهنگی نیمه قرن نوزدهم با چنان تیزهوشی و شور عاطفی دوگانه‌ای پاسخ می‌داد که سرانجام عصر خودش وی را درک‌ناشدنی یافت و درک و تفسیر نوشته‌هایش را به نسل بعد واگذاشت تا آنها نیز، به تعداد خوانندگان، تفسیر برای آثارش بتراشند. از آغاز جنگ داخلی در امریکا تا پایان جنگ جهانی اول، ملویل نویسنده‌ای کاملاً فراموش شده بود. اما امروزه او یکی از نویسندگان امریکایی است که آثارش بسیار خوانده می‌شود، بسیار به بحث گذاشته می‌شود، و بسیار ستایش می‌شود.

تصویر آشنای ملویل امروز همان است که در تمام پرتله‌های به‌جامانده از او به چشم می‌خورد: ریشو، رسمی، و جدی و خوددار؛ انگار که خودش را از دنیای کسب و صرف، و نیروهای هدررفته برکنار می‌دارد. چه آسان می‌شود او را چونان نویسنده کتابی در نظر آورد که واپسین منتقدش را به شگفتی و حیرت وامی‌دارد. اما مشکل

می‌توان او را چونان جوانی در نظر آورد که رو به دریا کرد تا از ملال تدریس در مدارس روستایی رها شود؛ در روز کریسمس جزو خدمه کشتی شکار نهنگ درآمد، زیرا نمی‌توانست شغل آبرومندی چون محرر حقوقی داشته باشد؛ از کشتی‌اش گریخت تا میان آدمخواران زندگی کند؛ و رشد فکری-فرهنگی‌اش را از بیست و پنج سالگی آغاز کرد و در سی و یک سالگی موبی‌دیک^۱ را نوشت. در وجود این مرد، همچون آثارش، رازی است که تخیل آدمی را به غلیان و هیجان می‌آورد.

به مدت یک قرن، تا همین اواخر که تحقیقات دانشورانه‌ای انجام گرفت، حوادث واقعی زندگی او آنقدر گنگ بود که خوانندگان داستانهای زندگینامه‌ای او نمی‌توانستند بفهمند که چه بخشی از نوشته‌ها حقیقت است و چه بخشی افسانه. او در اوّل اوت ۱۸۱۹ در نیویورک، در وضعی ناخوشایند، به دنیا آمد. پدرش در نیویورک واردکننده مرفه‌ی بود که کسب و کارش در طی نخستین رکود اقتصادی امریکا پس از جنگ، به علت کمبود ارز خارجی، سخت از رونق افتاده بود. پس از یازده سال تلاش، الن ملویل خانواده‌اش را (که آن زمان متشکل از زنش، ماریا گانسوورت ملویل^۲، و هشت فرزند بود که هرمان سومین آنها و پسر دوم از چهار پسر خانواده به شمار می‌رفت) به شهر آلبنی^۳ انتقال داد و هرمان در آنجا توانست دو سال به مدرسه برود و تحصیل رسمی کند؛ اما پس از آن پدرش مرد و او ناچار شد شغلی در بانک برای خودش دست‌وپا کند. پیش از رسیدن به هجده سالگی، توانست کمتر از دو سال دیگر هم به مدرسه برود و همین تحصیلات او را آماده انجام وظیفه ساده تدریس در مدارس

1. *Moby Dick*

2. Maria Gansevoort Melville

3. Albany

ابتدایی و، به دنبال آن، زندگی ادبی‌اش کرد - هرچند او هم مثل بنجامین فرنکلین^۱، با پیوستن به محفلی ادبی-جدلی و مقاله نوشتن برای روزنامهٔ محلی لنسینگبرو^۲، جایی که مادر بیوه‌اش کوچیده بود، مقدار زیادی خودآموزی کرد.

در تابستان ۱۸۳۹، جاذبه‌ای که دریا برای هر دو شاخهٔ خانواده‌اش، ملویل و گانسوورت، داشت او را واداشت که تاجر-دریانورد شود و سفری آزمایشی به لیورپول بکند. در طی تابستان بعد بختش را در سفری زمینی آزمود و به غرب، به معادن سرب اطراف گالینا^۳ در ایلینویز^۴، رفت که یکی از دایه‌هایش آنجا بود. پیش از رسیدن ملویل به غرب، بحران مالی به آنجا هم رسیده بود؛ بحرانی به همان شدت که او را به غرب سوق داده بود. بنابراین، ملویل ناچار شد به نیویورک بازگردد، ریشش را بتراشد تا مثل مسیحیان به نظر آید (این را برادر بزرگترش می‌گفت)، و بیهوده تلاش کند تا با خط خرچنگ‌قورباغه‌ای‌اش بلکه منشی حقوقدانی بشود. حال یأس و خفقانی چون حالی که وی بعدها به ایشمیل^۵ [اسماعیل] راوی داستان موبی‌دیک نسبت داد (نوامبر مه‌آلود و بارانی روح) باعث شد که وی به کشتی شکار نهنگی بپیوندد که به اقیانوس آرام جنوبی می‌رفت، چون در آن زمان کشتیهای شکار نهنگ واپسین پناهگاه جانیان و درماندگان و مطرودین بود. اما ملویل آزاد و ماجراجو بود - جوانی تنومند و آمادهٔ کار، با ۱۸۰ سانتیمتر قد، چشمانی آبی که زیر ابروان بلند به‌ارث‌برده از پدر برق می‌زدند، و موهای موج‌قهوه‌ای. هرچند از فرط به‌جان آمدن و یأس به این

۱. Benjamin Franklin، (۱۷۰۶-۱۷۹۰). دانشمند و نویسندهٔ آمریکایی.

2. Lansingburgh

3. Galena

4. Illinois

5. Ishmael

سفر دریایی نامشخص که سه سال یا بیشتر طول می‌کشید دست زده بود، آن زمان که در روز یکشنبه سوم ژانویه ۱۸۴۱ در بندر نیوبدفورد^۱ به کشتی تازه^۲ آکوشنت^۳ نشست، هنوز روح ماجراجویی در او زنده بود.

این سفر به ریو^۴، آنها را به اطراف دماغه هورن^۵، قسمت علیای ساحل امریکای جنوبی، و جزایر گالاپاگوس^۶ کشاند و در همین خط به گشت‌وگذار پرداختند تا آنکه ملویل و یکی از دوستانش اوضاع و احوال را غیرقابل تحمل یافتند و در روز نهم ژوئیه ۱۸۴۲ در مارکوئساس^۷ از کشتی گریختند. به اشتباه در دره تاپیها^۸، که از قبایل آدمخوار مشهور بودند، پناه گرفتند و ملویل یک ماه در اسارت ماند تا آنکه کشتی استرالیایی شکار نهنگ لوسی آن^۹ به نجاتش آمد. ناخدایی ناخوشایند، همقطارانی همیشه مست، و خدمه‌ای شورشی باعث می‌شدند که حال‌وروز ملویل در لوسی آن حتی بدتر از حال‌وروزش در آکوشنت باشد؛ و چون کشتی در ۲۰ سپتامبر وارد پاییتی^{۱۰} شد، ملویل دیگر حاضر نشد برای کار به آن کشتی بازگردد. پس او را در ساحل بازداشت و محاکمه کردند؛ اما پس از آنکه کشتی‌اش در پانزدهم اکتبر بادبان کشید، رهایش کردند تا بگریزد. پس از آن، با یکی از همکشتیهایش به جزیره مورثا^{۱۱} یا ایمئو^{۱۲} در آن حول‌وحوش رفت. دو مرد مدتی را به هرزه‌گردی و تأمین معاش با فروش خرت‌وپرتهایی که در ساحل می‌یافتند گذراندند؛ تا آنکه در سوم نوامبر صاحب کشتی چارلز و هنری^{۱۳} که از ننتاکت حرکت

1. New Bedford
4. Cape Horn
7. Typees
10. Moorea
13. Nantucket

2. *Acushnet*
5. Galápagos
8. Lucy Ann
11. Eimeo

3. Rio
6. Marquesas
9. Papeete
12. *Charles and Henry*